

بررسی ابعاد امنیت در قرآن کریم با تکیه بر نظرات امام خمینی^(ه)

غلامحسین طیبی^۱

فرج تلاشان^۲

داوود رستمی^۳

چکیده

امنیت، یکی از نیازهای اصلی و اساسی انسان‌ها از آغاز زندگی می‌باشد. امنیت به این معنا پیوند عمیقی با ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد. شهرهای پرجمعیت و محیط‌های بزرگ اجتماعی، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های فراوانی را به همراه داشته است و بستری برای ایجاد اختلال و ناامنی را در این‌گونه جوامع به وجود آورده است. عواملی مانند رشد حاشیه‌نشینی، افزایش یأس اجتماعی، گسترش جرم و جنایت، چند پارگی فرهنگی، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی و... در بین گروه‌های شهری امنیت اجتماعی را به شدت کاهش می‌دهد. امنیت از مقولات بسیار مهم و رایج حیات بشری از گذشته‌های دور تا امروز بوده و ضمن پشت سر گذاردن تحولات عمده در گذر زمان، نه تنها اهمیت آن کاهش نیافته، بلکه هرروز بر اهمیت آن افزوده گشته و ابعاد وسیع‌تری یافته است. یکی از دلایل آن، این است که انجام بسیاری از فعالیت‌های فردی و جمعی در غیاب امنیت به‌واقع ناممکن است. در فقدان امنیت، آزادی نیز دست نیافتنی است.

با توجه به اینکه قرآن منبع بی‌بدیل احکام و قوانین مدنی جوامع اسلامی به شمار می‌رود، بخشی از آیات قرآن ناظر بر امنیت در ابعاد گوناگون می‌باشند که در این پژوهش بر آن شدیم با روش توصیفی تحلیلی بر پایه اطلاعات کتابخانه‌ای با تکیه بر نظرات معمار کبیر انقلاب حضرت امام^(ه) بپردازیم.

با سیری در اندیشه و بیانات امام خمینی^(ه) در باب امنیت، می‌توان دریافت، با توجه به نگرش عمیق و چندوجهی ایشان از واژه امنیت تعریفی خاص و تک‌خطی را ننموده‌اند؛ و این مبحث در فرمایشات ایشان، افزون بر استفاده از واژه امنیت، با واژه‌های مختلف دیگری از جمله: فقدان تحمیل، زور و خشونت، رعب و ترس، حفظ جان و مال، استقلال، عزت، خودکفایی و عدم وابستگی کشور و غیره، مورد اشاره قرار گرفته است؛ اما به‌طور کلی می‌توان گفت مراد از امنیت نزد ایشان، تحقق آزادی همگانی در چارچوب قانون می‌باشد. از منظر امام^(ه) امنیت برای خدمت به جامعه و تأمین و تضمین آزادی و نه صرفاً برای دولت و حاکمان و اصحاب قدرت می‌باشد.

واژگان کلیدی

امنیت، ابعاد امنیت، امام خمینی^(ه)

۱. هیئت علمی دان. افسری و ت.پ. امام حسین(ع) تهران: gholamhosein.tayebi@gmail.com 1979

۲. دانشجوی دکتری الهیات- علوم قرآن و حدیث asma13910@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه جامع امام حسین(ع) تهران، Rostami3575@gmail.com



۱. مقدمه

بشر از آغاز ورود به پهنه‌ی هستی، با معمای امنیت روبرو شد؛ زیرا عوامل محیطی مهم‌ترین خطر نسبت به حیاتی‌ترین ارزش بشری، یعنی زندگی به شمار می‌آمد؛ خطراتی که بسیاری از آن‌ها از سوی نیروهای طبیعی بود. بر این اساس می‌توان گفت که جستجوی امنیت پیوند ناگسستنی‌ای با جوهر هستی انسان دارد و حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین امیال انسان می‌باشد. انسان‌ها به‌طور کلی در پی برآوردن نیازهای زیستی با یکدیگر وارد مناسبات گوناگون می‌شوند و تشکیل جامعه می‌دهند؛ بنابراین مهم‌ترین نیاز هر جامعه، خواه یک طایفه یا قوم کوچک یا یک کشور را می‌بایست تأمین امنیت آن جامعه و افراد دانست. (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۳) به‌طور کلی انسان که به اقتضای خلقتش اجتماعی آفریده شد، ناچار از وابستگی به دیگری یا دیگران است و در طول تاریخ حیات پرفرازونشیب خود در تأمین آرامش داخلی و آسایش اقتصادی و ایمنی در برابر تهدیدات فراوان، اندیشیدن و ابتکارات و خلاقیت‌های تکامل‌یافته خود را برای فراهم کردن وسایل گوناگون برای رسیدن به این مقصود به کار گرفت. تدوین چارچوب‌های مختلف انضباطی و وضع قوانین و مقررات جمعی منتهی به ایجاد حکومت برای اداره جامعه، از جمله مهم‌ترین ابزارها و وسایلی است که برای تأمین نیازهای امنیتی به جامعه بشری معرفی شده است. مجموعه این ابتکارات و خلاقیت‌ها در نهایت به ایجاد و گسترش چتری حمایتی منجر می‌شود که در سایه آن، فرد و جامعه به بقا و حیات خود تداوم می‌بخشند و در نبود آن به وضعیتی می‌رسند که به آن آنومی (بی‌قانونی و عدم تعادل در شرایط اجتماعی) گفته می‌شود. (ذاکر اصفهانی؛ صادقی، ۱۳۸۷، صص ۵۲-۵۲) اندیشمندان سیاسی برقراری امنیت و ثبات در یک جامعه را به‌طور کلی از وظایف اصلی حکومت‌ها می‌دانند. درواقع از گذشته‌های دور تاکنون، کار ویژه اصلی، اولیه یا حداقل دولت، تأمین امنیت جان مردم از خطرات داخلی و خارجی و نهادینه کردن امنیت جمعی بوده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۷) مقوله امنیت در اسلام از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده و همواره طراحی آن در بستر نظام اسلامی مورد توجه بوده است. این مفهوم از جمله موضوعاتی است که در قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع در اسلام، به گستردگی به‌عنوان مهم‌ترین منبع دین اسلام به گستردگی





از آن یاد شده است. قرآن کریم امنیت را یکی از اهداف استقرار و حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت برمی شمارد. امنیت در قرآن کریم نیز دارای سطوح مختلفی است که امور معنوی، فردی، اجتماعی، سیاسی و... را در برمی گیرد. در یک نگاه کلی هرگاه سخن از امنیت به میان می آید، آنچه در ذهن خطور می کند امنیت جان و مال است؛ درحالی که برای یک جامعه پویا و سالم امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فردی و... مطرح می باشد و لازم است که حکومت: امنیت جامعه را در همه ابعاد تأمین نماید (زارع قراملکی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۷) بر همین اساس امنیت را می توان به ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تقسیم کرد.

در راستای تحقیق حاضر تألیفاتی انجام شده که ذیلاً به چند مورد اشاره می کنیم:

۱. تحلیل الگوی تعامل آزادی و امنیت، اصغر افتخاری، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۹۳؛ نویسنده در این مقاله، از نسبت دو فضیلت مهم آزادی و امنیت سؤال نموده که در طول تاریخ عمدتاً با اولویت بخشی به امنیت و تأسیس نظام های بسته، حل و فصل شده است. محقق جهت تحلیل ابعاد مختلف موضوع، با استفاده از روش تحلیلی و طراحی الگویی ترکیبی مبتنی بر نظریه های «امنیت ایجابی- سلبی» و آزادی «مثبت و منفی» تلاش نموده تا نسبت مطلوب بین این دو را تبیین و ارائه نماید. یافته های محقق، بیانگر کاستی نظریه های تک بعدی هر دو رویکرد لیبرالیستی و واقع گرایی است و درنهایت، رویکردی تعاملی را با عنوان «نظریه امنیت در چارچوب» با رعایت جایگاه راهبردی آزادی پیشنهاد می نماید.

۲. نظارت پیشگیرانه دولت؛ تقابل امنیت و آزادی، سید محمدصادق احمدی؛ محمد شمعی؛ نویسندگان در مقاله به نظارت پیشگیرانه دولت با رویکردی به تقابل میان امنیت و آزادی پرداخته اند

۳. بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم، شهروز

ابراهیمی؛ علی اصغر ستوده؛ احسان شیخون؛ مقاله ۱، دوره ۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱
نویسنده در این پژوهش با بررسی تطبیقی به دنبال مطالعه تفاوت دیدگاه این سه جریان در مفهوم سازی، ابعاد و سازوکارها و عملیاتی کردن شاخص های امنیت در نظام های امنیتی فردی و اجتماعی (داخلی و بین المللی) است؛ یافته های این پژوهش بر



این مبنا استوارند که دیدگاه بدبینانه رئالیسم نسبت به انسان و ماهیت نظام بین‌الملل (جنگ محور بودن) که از مبانی هستی‌شناسی این نظریه، متأثر است، به اتخاذ نوعی رویکرد امنیتی - تقابلی و تقلیل‌گرا (تأکید بر بعد نظامی امنیت و سطح تحلیل ملی‌گرا) انجامیده است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. مفهوم شناسی امنیت

ریشه لغوی واژه امنیت، از ثلاثی مجرد «امن» و با مشتقاتی مانند «استیمان» و «ایمان» است که به اطمینان و آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه‌شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۹) هم‌چنین در زبان فارسی به ایمنی شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف‌شده است. امنیت در لغت فارسی به «ایمن شدن»، «در امان بودن» و «بی‌بیمی» تعریف‌شده است (معین، ۱۳۷۵، ص ۳۵۴) معادل این واژه در زبان عربی «الأمن» و «الأمان» است که بر محور معنایی اطمینان، در امان بودن، ضمانت و محافظت، حمایت، مورد اعتماد و اطمینان و نیز اطمینان و سکون قلب قرار دارند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۳۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۱) لغت‌شناسان، معانی چندی برای این ریشه بیان کرده‌اند؛ همچون: الأمن ضد الخوف، الأمانه ضد الخيانة، الإيمان ضد الكفر، الإيمان بمعنى التصديق و ضده التكذيب (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۲۱؛ جوهری، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۲۰۷؛ طریحی، ۱۴۱۶ ق، ج ۶، ص ۲۰۷) از میان معانی لغوی و اصطلاحی واژه امنیت، شاید مناسب‌تر آن باشد که بدون وارد شدن در منازعات بی‌انتهای تعبیر و تعاریف اصطلاحی، معنای لغوی آن را به‌عنوان شالوده بحث انتخاب کنیم و دیگر ارکان این تحقیق را بر معنای نسبتاً مجمع‌علیه لغوی این واژه بنا نهیم. به‌طور کلی برخلاف معنای لغوی، در سطح اصطلاحی برای امنیت معنای اجماعی وجود ندارد و تعاریف اصطلاحی متفاوتی از این مفهوم ارائه‌شده است (افتخاری، ۱۳۹۱، ص ۸۰). درواقع عدم تعریف دقیق و عام از امنیت به دلیل این است که امنیت امری نسبی است و در اثر مسائل نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در هر منطقه و در هر زمان ممکن است تعریف متفاوتی داشته باشد (ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۹، ص ۲) در اینجا به تعدادی از تعاریفی





که از امنیت صورت گرفته است اشاره می‌شود:

۱. مفهوم امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت است و درباره افراد به معنای آن است که در مورد حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نکند (عمید زنجانی، ۱۳۷۴، ص ۳۷۵)

۲. واژه امنیت در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلفی است. شرایطی که در آن فرد در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت شود؛ ایمنی، رهایی از غم و غصه و تشویش و اضطراب، نبود خطر و یا احساس ایمنی و در دوری از آن. در این چارچوب، امنیت دربردارنده احساس اطمینان از دو بعد ذهنی (امنیت فکری، رهایی از ترس، آزادی بیان، امنیت شغلی، امید به زندگی و ...) و عینی (غذا، بهداشت، محیط‌زیست، کاهش فساد، مقابله با قاچاق انسان و کالا و ... است (نظری و سازمند، ۱۳۸۹، ص ۱۸)

۳. امنیت به معنای آرامش، آسودگی و ایمنی است. در فرهنگ سیاسی مهم‌ترین عنصری که برای امنیت منظور می‌کنند، فقدان تهدید است. البته چون فقدان تهدید به طور مطلق و تمام دست‌نیافتنی است. «به حداقل رساندن تهدید» را در مفهوم امنیت کافی دانسته‌اند (امام‌جمعه زاده و درجانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷) «والترلیپمن» محقق و نویسنده آمریکایی، نخستین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف کرد. یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را به پیش ببرد (محمدی، ۱۳۸۱، ص ۷) به نظر می‌رسد بهترین روش برای تعریف مفهوم امنیت اشاره به دلالت‌های عینی و ذهنی این مفهوم و تجزیه آن به عناصر تشکیل‌دهنده خود است. در این راستا می‌توان سه گونه دلالت مفهومی را برای امنیت مطرح کرد؛ نخست، دلالت عینی است که حکایت از نبود خطر بر ضد ارزش‌های حیاتی جامعه و کشور موردنظر دارد. در اینجا بودن یا نبودن خطر به شکل واقعی مطرح است. دومین دلالت مفهومی دلالت ذهنی است که در حقیقت حاکی از بودن یا نبودن ترس و وحشت از حمله به ارزش‌های اساسی است. در حقیقت این وضع ممکن است در واقعیت خطری



بر ضد ارزش‌ها وجود نداشته باشد، اما در ذهن افراد چنین خطری تصور گردد یا برعکس، خطر وجود داشته باشد اما تصور بر نبود خطر باشد. **سومین** دلالت اشاره به مفاهیمی دارد که به‌طور غیرمستقیم دربرگیرنده شرایطی است که زمینه‌ساز فضایی می‌شود که می‌توان لفظ امن بر آن اطلاق نمود.

۲-۲. ابعاد امنیت

هیچ مکتب یا نظام حقوقی نمی‌تواند خود را نسبت به موضوع امنیت بی‌تفاوت قلمداد نماید زیرا امنیت گذشته از این که فی‌نفسه یکی از ضروری‌ترین نیازهای بشر است بلکه عامل مهمی برای رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است. در این مبحث به بررسی ابعاد امنیت از منظر قرآن کریم می‌پردازیم.

۲-۲-۱. بعد اخروی امنیت

در قرآن کریم آیات بسیاری به مقوله امنیت اخروی می‌پردازند که در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

(الف) آنان که از برنامه هدایتی خداوند پیروی می‌کنند در امنیت هستند:

«فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۳۸)
هرگاه هدایتی از سوی من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه بیمی بر آن‌هاست و نه غمگین شوند.

(ب) کسانی که به خدا و قیامت ایمان دارند و اعمال شایسته انجام می‌دهند برخوردار از امنیتند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصْرَى وَالصَّبِيْنَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۶۲)؛ کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که به آیین یهود گرویدند و نصارا و صابئان هرگاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است و هیچ‌گونه ترس و اندوهی بر آن‌ها نیست.

(ج) نیکوکاران و تسلیم‌شدگان به خدا در امنیت به سر می‌برند:

«بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ





يَخْزَنُونَ» (بقره/۱۱۲)، آری کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است؛ و [این گونه کسان] نه ترسی بر آن هاست و نه غمگین می شوند.

(د) انفاق کنندگانی که منت نمی نهند امنیت دارند: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزَنُونَ» (بقره/۲۶۲) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، سپس به دنبال انفاقی که کرده اند، منت نمی گذارند و آزاری نمی رسانند، پاداش آن ها نزد پروردگارشان است؛ و نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند.

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزَنُونَ» (بقره/۲۷۴) آن ها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است؛ نه ترسی بر آن هاست و نه غمگین می شوند. «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزَنُونَ» (بقره/۲۷۷) کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و نماز را بر پا داشتند و زکات را پرداختند، پاداششان نزد پروردگارشان است؛ و نه ترسی بر آن هاست و نه غمگین می شوند. «فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزَنُونَ» (انعام/۴۸) آن ها که ایمان آورند و اصلاح کنند، نه ترسی بر آن هاست و نه غمگین می شوند.

(ه) ایمان آوران، صالحان، نمازگزاران و زکات دهندگان، ناامنی ندارند:

«يَا بَنِي ءَادَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزَنُونَ» (اعراف/۳۵) ای فرزندان آدم، اگر رسولانی از خود شما به سراغتان آیند که آیات مرا برای شما بازگو کنند، کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند نه ترسی بر آن هاست و نه غمناک می شوند.

(و) اولیاء خدا امنیت دارند: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَخْزَنُونَ» (یونس/۶۲)؛ آگاه باشید اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می شوند؛ و آیات زیر تمامی افراد یادشده را در بهشت در ایمنی می خواند: «ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ءَامِنِينَ» (حجر/۴۶) داخل این باغ ها شوید با سلامت و امنیت. «... إِلَّا مَن ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا





فَأُولَئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الصَّغْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ ءَامِنُونَ» (سبأ/۳۷) به جز کسانی که ایمان آورند و عمل صالحی انجام دهند؛ که برای آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده‌اند و آن‌ها درون غرفه‌ها در امنیت خواهند بود. «أَقْمَنَ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (فصلت/۴۰) آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که در نهایت امن و امان در قیامت به عرصه محشر می‌آید.

۲-۲-۲. بعد مادی و دنیوی امنیت

در آیات قرآن، امنیت دنیوی یک کالای عمومی معرفی شده و یکی از اهداف مهم شکل‌گیری حکومت اسلامی و حاکمیت خداست: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور/۵۵)؛ خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت؛ و کسانی که از آن پس کافر شوند، آن‌ها فاسقانند.

«وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأَمَتُّهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ» (بقره/۱۲۶)؛ و هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را، آن‌ها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده‌اند، از ثمرات روزی ده. این آیه به قرینه سیاق پیشینی «وَ إِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّتْهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۲۴) تأمین امنیت، رفاه عمومی و فراهم ساختن زمینه‌های مناسب برای عبادت را از خواسته‌ها و تکالیف پیشوایان دینی قرار می‌دهد.



امنیت فردی، شامل امنیت فرد در زندگی خود و سلامت جسم و صحت فرد و شهرتش در حدود قانون است. امنیت فردی و شخصی عنصری از عناصر آزادی فرد است که آنان را از حبس، بازداشت و کیفرهای استبدادی در امان نگاه دارد. ایمن بودن افراد در موارد مذکور در چارچوب آزادی‌های قانونی تأمین می‌شود. امنیت فردی، عبارت است از حالتی که فرد جسماً و روحاً در آن فارغ از ترس و آسیب رسیدن به جان، مال و یا آبروی خود یا از دست دادن آن‌ها زندگی کند؛ بنابراین، حفظ آبرو و حیثیت افراد و سلامت جسم آنان و در کل، امنیت در حوزه خصوصی در حیطه این بعد از امنیت قرار می‌گیرد. همچنین، می‌توان با رویکرد فلسفی به موضوع امنیت فردی انسان نگریست و به لحاظ مفهومی و نه مصداقی، انسان و جایگاه وی را در نظام هستی مورد بررسی قرار داد. در این رویکرد، امنیت داشتن انسان به معنای ثبات هویت شخصی او، نسبت به خودش، خدا و جهان با توجه به پویایی اصیل اندیشه انسانی می‌باشد و بی‌امنیتی انسان، به معنای فروپاشی شخصیت و جایگاه و هویت انسان نسبت به خدا، خودش و جهان و در نتیجه، بحران هویت او در نظام هستی است. (لک زایی، ۱۳۸۹: ۳۴). امنیت فردی شامل موارد زیر می‌باشد:

✓ امنیت جانی

این شکل از امنیت در قرآن بسیار مورد توجه قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که گروه‌هایی از آیات، نشان‌دهنده اهمیت و ارزش این امنیت است:

۱. برخی از احکام جزایی قرآن باهدف ایجاد و تأمین امنیت جانی فرود آمده است؛

برای نمونه بعضی آیات از خودکشی و دیگرکشی و صدمه رساندن به دیگران منع می‌کند. این آیات برای دیگر کشان و آنانی که دیگران را مصدوم می‌سازند مجازات سنگینی قرار می‌دهد و این مجازات‌ها را عامل مهم تأمین و احساس امنیت دیگران می‌خواند: «... وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء/۲۹)؛ «وَلَا تَقْتُلُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۱۹۵)؛ «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمَّا لَقِىَ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيراً» (اسراء/۳۱)؛ «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ



الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء/۳۳)؛ «یا ایها الذِّینَ ءَامَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصَاصُ فِی الْقَتْلِی الْحَرْ بِالْحَرْ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِیَ لَهُ مِنْ أَخِیهِ شَیْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَدِّ إِلَیْهِ بِإِحْسَانٍ ذَٰلِکَ تَخْفِیفٌ مِّنْ رَبِّکُمْ وَ رَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِکَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِیمٌ؛ وَ لَکُمْ فِی الْقِصَاصِ حَیْوةٌ یَّأُولِی الْأَلْبَابِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/۱۷۸ - ۱۷۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده: آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود چیزی به او بخشیده شود (و قصاص او تبدیل به خون بها شود) باید از راه پسندیده پیروی کند؛ و قاتل نیز به نیکی دیه را بپردازد؛ این تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت؛ و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقواپیشه کنید. «وَ کَتَبْنَا عَلَیْهِمْ فِیْهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَیْنَ بِالْعَیْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذْنَ بِالْأُذْنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ کَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَّمْ یَحْکَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده/۴۵) و بر ایشان (بنی اسرائیل) در تورات مقرر داشتیم که جان در مقابل جان و چشم در مقابل چشم و بینی در مقابل بینی و گوش در مقابل گوش و دندان در برابر دندان می باشد؛ و هر زخمی قصاص دارد؛ و اگر کسی ببخشد کفاره گناهان او محسوب می شود و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند، ستمگر است.

۲. تعدادی از آیات قرآن باهدف تأمین امنیت و حفظ سلامت انسان فرود آمده است؛ مانند آیاتی که خوردن مشروبات الکلی، خون، مردار، گوشت خوک و... را حرام اعلام می کند: «یَٰأَیُّهَا الذِّینَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمِیسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّیْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده/۹۰) «إِنَّمَا یُرِیدُ الشَّیْطَانُ أَنْ یُوقِعَ بَیْنَکُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِی الْخَمْرِ وَ الْمِیسِرِ وَ یُصَدِّکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» مائده/۹۱ «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَیْکُمُ الْمِیْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَنِزِیرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَیْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَیْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فِیْنِ اللَّهِ غَفُورٌ رَّحِیمٌ» (نحل/۱۱۵)

۳. بعضی آیات در راستای تأمین سلامتی، نظافت را توصیه می کند. «... إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِینَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ» (بقره/۲۲۲)؛ «فِیْهِ رِجَالٌ یَّحِبُّونَ أَنْ یَتَطَهَّرُوا وَ اللَّهُ

۴. شماری از آیات، نشان از سقوط تکلیف با فرض رخداد ناامنی جانی دارد؛ برای نمونه وضو، غسل، روزه، حج، توجه به قبله، تصرف در مال دیگران، دوری از خوردن محرّماتی مانند گوشت خوک و مردار و... برای کسی که در ناامنی است یا در وضعیت ناامنی قرار می‌گیرد، واجب نیست. امنیت‌شناسان، امنیت جانی را بسیار درخور اهمیت می‌دانند و ناامنی جانی و احساس ناامنی گسترده را زمینه‌ساز آسیب‌پذیری‌های اجتماعی می‌خوانند. در قرآن نیز امنیت جانی بسیار پراهمیت است و کشتن یک فرد مانند کشتن تمام انسان‌ها معرفی شده است: «مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ» (مائده/۳۲) هرچند امنیت جانی در قرآن بسیار پراهمیت نشان داده شده اما این امنیت مطلق نیست. امنیت جانی تا زمانی حق هر شهروندی است که آن شهروند امنیت دیگران را محترم شمارد و از دست‌اندازی و تجاوزگری به حقوق دیگران خودداری کند. آیات یادشده و آیات بسیار دیگری نشان می‌دهد که مخدوش ساختن امنیت جانی، مالی و ناموسی دیگران امنیت جانی را از حق بودن بیرون می‌سازد.

✓ امنیت عقیده

یکی دیگر از صورت‌های امنیت فردی امنیت اندیشه است، که بر اساس آن، انسان‌ها از جهت باورها در امنیت هستند و نمی‌توان ایشان را برای باورهایی که دارند تهدید کرد و در ناامنی قرارداد؛ چه اینکه باورها و اندیشه‌ها خاستگاه زندگی اجتماعی است و بیشترین نقش را در بروز رفتارهای فردی و اجتماعی دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان هر کنشی را استوار بر باورها و اندیشه‌هایی خاص دانست؛ چنان‌که درصد قابل‌توجهی از واکنش‌ها نیز برخاسته، برگرفته و تحت تأثیر باورها است. بر این اساس در اسلام باورها و عقاید، بسیار پرارزش و سودمندند و صاحبان عقیده در امنیت کامل قرار دارند و نمی‌توان ایشان را به پذیرش باوری جدید و به یک‌سو نهادن عقیده خود وادار ساخت؛ و آیات جهاد و قتال نیز درباره مخالفانی است که برای مسلمانان ناامنی ایجاد می‌کنند.





قرآن تهدید و ارعاب صاحبان عقیده را برنمی تابد و با هر شکل تهدید مخالفت می کند؛ چه اینکه:

یک) از انسان رهایی از تقلید به عنوان یک عامل درونی بر اکراه را می طلبد و تقلیدکنندگان را نکوهش می کند: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (بقره/۱۷۰)

دو) انسان را به بهره گیری از عقل فرامی خواند و از ایشان تأمل و تدبر در آفرینش و آفریدگار را خواستار است

سه) عقیده را امری درونی و اختیاری و جبر ناپذیر معرفی می کند: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنَ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۵۶)؛ «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ» (یونس/۱۰۸) بگو ای مردم حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد برای خود هدایت شده و هر کس گمراه گردد به زیان خود گمراه می گردد و من مأمور (به اجبار) شما نیستم. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳) ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس. «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَ سَاءَتْ مُرْتَقَقًا» (کهف/۲۹)، بگو: این حق است از سوی پروردگارتان؛ هر که می خواهد ایمان بیاورد و این حقیقت را پذیرا گردد و هر که می خواهد کافر گردد.

چهار) ناسازگاری های عقیدتی و دینی را خواست خداوند می شناساند: «وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس/۹۹) و اگر پروردگار تو می خواست تمام کسانی که روی زمین هستند همگی (به اجبار) ایمان می آوردند، آیا تو می خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان آورند. «فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْتُكُمْ أَجْمَعِينَ» (انعام/۱۴۹) و اگر او بخواهد همه شما را (به اجبار) هدایت می کند. «... وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (انعام/۳۵) اما اگر خدا بخواهد آن ها را (به اجبار) بر هدایت جمع خواهد کرد (ولی هدایت اجباری چه سودی دارد) پس هرگز از جاهلان مباش. «وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ» و اگر پروردگارت می خواست همه مردم را یک امت (بدون هیچ گونه اختلاف)



قرار می‌داد؛ ولی آن‌ها همواره مختلفند.

پنج) وظیفه پیامبران را تنها تبلیغ، انذار و تبشیر را می‌شناسد و اجبار مردم بر پذیرش دین جدید را وظیفه ایشان نمی‌خواند: «وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيَّةَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران/۲۰) و به آن‌ها که اهل کتاب هستند (یهودی و نصارا) و بی‌سوادان (مشرکان) بگو: آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟ اگر (در برابر فرمان و منطق حق) تسلیم شوند، هدایت می‌یابند و اگر سرپیچی کنند (نگران مباش زیرا) بر تو تنها ابلاغ (رسالت) است. «... فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَيَّ رَسُولُنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (مائده/۹۲) و اگر روی برگردانید (سزاوار مجازات خواهید بود و) بدانید بر پیامبر ما جز ابلاغ آشکار چیز دیگری نیست. «وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ» (یونس/۴۱) و اگر تو را تکذیب کردند بگو: عمل من برای من و عمل شما برای شماست، شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید و من از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم. «مَّا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ» (مائده/۹۹) پیامبر وظیفه‌ای جز رساندن پیام الهی ندارد.

بر اساس آیات قرآن، دینداران از امنیت برخوردارند و نباید ایشان را به‌زور وادار به پذیرش باوری جدید کرد. سیاستمداران، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و تمامی صاحبان اندیشه نیز به‌طریق اولی از امنیت برخوردارند و نمی‌توان بر ایشان عقیده‌ای را تحمیل کرد و یا آن‌ها را از باورشان جدا ساخت؛ چه اینکه این عقیده، اعم از دینی، مذهبی، سیاسی و... امری اختیاری و قلبی است و به‌هیچ‌روی اجبار و اکراه نمی‌پذیرد. چه بسیارند اندیشمندان و دانشمندانی که وقتی در فشار قرار می‌گیرند و امنیت خویش را درخطر می‌بینند از باورها و عقاید خود چشم می‌پوشند و تظاهر به پذیرش عقاید مخالف می‌کنند اما همین‌که در فضای دیگری قرار گرفتند و امنیت نسبی یافتند به باورهای پیشین خود بازمی‌گردند. وقتی گالیله زیر فشارهای سخت کلیسا و دادگاه‌های تفتیش عقاید قرار گرفت برای رهایی از مجازات و تأمین امنیت خود توبه کرد، اما گفت: من توبه می‌کنم، ولی زمین از حرکت خود نمی‌ایستد.





۷ امنیت آبرو

شخصیت، اعتبار و منزلت افراد از مهم‌ترین عوامل زندگی شرافتمندانه و رشد و بالندگی و پویایی زندگی اجتماعی است. بر این اساس حفظ آبرو و عرض افراد در اسلام بسیار پراهمیت است و برخی از آیات نشان از اهمیت این امنیت دارد؛ برای نمونه:

۱. آیاتی که مسلمانان را از تجسس در امور دیگران و ورود بدون اجازه به خانه ایشان باز می‌دارد: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظنّ إنّ بعض الظنّ اثمّ و لاتجسسوا» حجرات/۱۲ «یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا» نور/۲۷ «فإن لم تجدوا فیها أحداً فلاتدخلوا حتی یؤذن لکم و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو أزکی لکم» نور/۲۸ «و لیس البرّ بأن تأتوا البیوت من ظهورها و لكن البرّ من اتقی و أتوا البیوت من أبوابها» (بقره/۱۸۹) «و الله جعل لکم من بیوتکم سکناً» نحل/۸۰ فلسفه این احکام هرچند متعدد و گوناگون است، اما یکی از آن‌ها حفظ پوششی است که افراد نسبت به آبرو و عرض خود دارند تا از این جهت زمینه تهمت فراهم نشود و افراد هتک حرمت نشوند. اهمیت این امنیت، فقها را بر آن داشته تا اذن دخول خواستن را حتی نسبت به خانه‌ای که مالک در خانه نیست لازم دانند؛ تا آنجا که می‌گویند: اگر شخصی بدون اجازه وارد خانه شود و توسط صاحب‌خانه کور گردد حق قصاص و دیه نخواهد داشت.

۲. آیاتی از قرآن که در شمار احکام جزایی اسلام قرار دارند. برای نمونه: «والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدۀ» نور/۴ «الزانیة و الزانی فاجلدوا کلّ واحد منهما مائة جلدۀ» (نور/۲)

۳. آیاتی که از غیبت، استهزا، عیب‌جویی، طعن و به کار بردن القاب زشت و ناپسند برای دیگران نهی می‌کند: «ولایغتب بعضکم بعضاً أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتاً فکرموه» حجرات/۱۲ و کسی از شما کسی دیگر را غیبت نکند، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد. «یا ایها الذین آمنوا لایسخر قوم من قوم عسی أن یكونوا خیراً منهم و لانساء من نساء عسی أن یکنّ خیراً منهنّ و لاتلمزوا أنفسکم و لاتنازروا بالألقاب» حجرات/۱۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از اینان بهتر باشند؛ و نه زنی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید





و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید. «الذين يلمزون المطّوعين من المؤمنين في الصدقات و الذين لا يجدون إلّا جهدهم فيسخرون منهم سخر الله منهم و لهم عذاب أليم» (توبه/۷۹) آن‌ها که از مؤمنان فرمان پذیر، در صدقاتشان عیب‌جویی می‌کنند و کسانی را که (برای اتفاق در راه خدا) جز به مقدار (ناچیز) توانایی خود دسترسی ندارند، مسخره می‌نمایند، خدا آن‌ها را مسخره می‌کند؛ (و کیفر استهزا کنندگان را به آن‌ها می‌دهد) و برای آن‌ها عذاب دردناکی است! این مجموعه از آیات نشان می‌دهد مسلمانان باید به امنیت آبرو و عرض دیگران توجه داشته باشند و این امنیت ایشان را خدشه‌دار نسازند.

✓ امنیت مالی

در آیات قرآن، مال، زینت زندگی دنیا است «المال و البنون زينة الحياة الدنيا» کهف/۴۶ همچنین کمک خداوند به انسان، وسیله آزمایش اوست: «أيحسبون أنّما نمدهم به من مال و بنين نسارع لهم في الخيرات بل لا يشعرون» (مؤمنون/۵۵ - ۵۶ و بقره/۱۵۵ و آل عمران/۱۹۶) نیز انسان مالک و مالکیت او اعتباری است. این مالکیت انسان را نسبت به اموال خود صاحب حق می‌کند؛ به گونه‌ای که فرد می‌تواند نسبت به اموال و ثروت خود تصمیم بگیرد و هرگونه تصرفی را در مال خود انجام دهد، مال خود را انفاق کند (بقره/۲۶۱ و ۲۶۵) یا به گونه‌ای ناشایست از اموالش بهره برد (انفال/۳۶) - البته این امنیت مالی در صورتی است که تصرف مالک در ملک خود دیگران را در ناامنی قرار ندهد - و در برابر، دیگران حق بازداشتن، محدود ساختن و ایجاد ناامنی برای وی را ندارند. مجموعه آیه‌ای که نشان از اهمیت و ارزش بسیار امنیت مالی در اسلام دارد عبارت است از:

۱. آیه‌ای که در شمار احکام جزایی اسلام قرار می‌گیرد؛ مانند آیه‌ای که بیانگر حدّ سرقت است: «والسارق و السارقة فاقطعوا أيديهما جزاء بما كسبا» (مائد/۳۸)
۲. آیه‌ای که ادای امانت به صاحب آن را توصیه کرده خیانت‌درامانت را نکوهش می‌کند: «فإن آمن بعضكم بعضاً فليؤدّ الذي أوّتمن أمانته» بقره/۲۸۳ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» نساء/۵۸ «لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» انفال/۲۷ «و الذين هم لأماناتهم و عهدهم راعون» مؤمنون/۸ این آیات نشان‌دهنده امنیت مالی است،



به خصوص با توجه به اینکه امانت از ریشه «امن» است و امانت گذار با سپردن مال خود به دیگران در پی دستیابی به امنیت مالی است. ۳. آیاتی که از تصرف باطل در مال دیگران منع می‌کند: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» بقره/۱۸۸ و نساء/۲۹)

۲-۲-۴. امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی شخص به معنی حفظ جان، مال، آبرو و موقعیت‌های اجتماعی شخص از جانب عوامل اجتماعی می‌باشد. یعنی از جانب افراد دیگر، سایر گروه‌ها و حکومت و قانون، جان و مال و آبرو موقعیت اجتماعی فرد مورد تهدید قرار نگیرد. به این ترتیب امنیت اجتماعی عبارت است از حالت فراغت همگانی از تهدیدی که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاهی، یا فردی، یا گروهی در تمام یا بخشی از جامعه پدید می‌آورد. علاوه بر این در اندیشه‌ی اسلامی، رعایت تقوا و معیارهای الهی و سپس انسانی، اصلی‌ترین شرط تحقق امنیت اجتماعی و رعایت حقوق انسان‌ها و مقابله با متعديان به حقوق عمومی و امنیت جمعی، به شمار می‌رود. منظور از امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که جامعه برای اعضای خود ایجاد می‌کند. اگر افراد اعتقاد به داشتن مسئولیت در برابر جامعه را در خود احساس کنند، این امنیت بهتر و مؤثرتر پیش خواهد رفت و هرگونه امنیتی بدون مشارکت مردم، امکان تحقق بسیار ضعیفی خواهد داشت. امنیت اجتماعی یا تأمین اجتماعی. این حوزه به دو معنا به کار برده می‌شود: نخست، مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه و دولت و دوم، پیش‌بینی و تدارک کمک دولت برای تأمین نیازهای مردم و در نتیجه فقدان بیماری، کاهش بی‌کاری، رضایت‌مندی در سالمندی و ...

در بخشی از آیات قرآن مسائل مربوط به امنیت در ساحت اجتماعی انسان بررسی شده است: در جامعه اسلامی، قرآن رابطه مؤمنان را بر پایه برادری: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰) و وحدت و ترک تفرقه: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) ترسیم می‌کند و نزاع و درگیری را مایه ضعف و از بین رفتن عزت و کرامت مؤمنان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۹۵). «وَلَا تَنَزَعُوا فَنَفْسُكُمُ لَا تَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۸) و چون مؤمنان باهم برادرند از آنان می‌خواهد اختلافات





پیش آمده بین همدیگر را براساس قسط و عدل حل کرده (حجرات/۹)، در جامعه صلاح برقرار کنند: «... فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات/۱۰) و زمینه را برای تعاون و همکاری: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده، ۲) و احسان (نساء/۳۶) فراهم آورند و از سوی دیگر با هوشیاری، ریشه های فتنه را بیابند و گزارش هایی را که باعث اختلافات و درگیری های احتمالی مؤمنان می شود ارزیابی کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ» (حجرات/۶) و اخبار مربوط به امنیت جامعه را که منافقان به قصد خنثی کردن نقشه های جنگی مسلمانان یا برای ترساندن مردم از حمله احتمالی دشمن منتشر می سازند به مسئولان امر برسانند تا آن را ارزیابی کنند «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعِلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (نساء/۸۳)؛ همچنین باید با منافقانی که به قصد حفظ جان و مال خود با فریبکاری نزد مسلمانان اظهار اسلام و نزد قوم مشرک خود اظهار کفر می کنند و خدایان آنان را عبادت می کنند تا از هر دو گروه ایمن باشند، برخورد کنند، زیرا که آنان در پی فتنه*انگیزه اند: «سَتَجِدُونَ أَخْرَيْنَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا» (نساء/۹۱) مؤمنان وظیفه دارند در صورت دست بردداشتن و تسلیم نشدن منافقان، آنان را هر جا یافتند بگیرند و بکشند: «فَإِن لَّمْ يَعتَزلُوكُمْ وَ يَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَ يَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ» (نساء، ۹۱) ذوالقرنین برای فراهم آوردن امنیت نسبت به قومی که مورد تهدید قرار گرفته بودند، پرزحمت ترین کارها را بر عهده گرفت و برای جلوگیری از مفسدان، از نیرومندترین سدها استفاده کرد (کهف/ ۹۲) سدی که در تاریخ ضرب المثل شده و سمبل استحکام، دوام و بقاست. می گویند: اصولاً تا جلوی مفسدان را با قاطعیت و به وسیله نیرومندترین سدها نگیرند، جامعه روی سعادت نخواهد دید. از این رو حضرت ابراهیم ^(ع) هنگام بنای کعبه نخستین چیزی که از خدا برای آن سرزمین تقاضا کرد نعمت امنیت بود (ابراهیم/۳۵) و سخت ترین مجازات ها (مائده/۳۳) در فقه اسلامی برای کسانی در نظر گرفته شده است که امنیت جامعه را به خطر می افکنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲، صص ۵۳۸، ۵۳۹). این شدت عمل فوق العاده ای که اسلام در مورد محاربان به خرج داده، برای حفظ خون بی گناهان و جلوگیری از حملات و تجاوزهای افراد قلدر، زورمند، جانی، چاقوکش و



آدمکش، به جان، مال و نوامیس مردم بی‌گناه است (همان، ج ۴، ص ۳۶۱) در حقیقت معنای این وعده الهی، وعده به ترقی مجتمع بشری در تمدن و نزدیک شدن امت‌های مختلف به یکدیگر است، به‌طوری‌که دیگر هیچ سد و مانع و دیواری جلوی انتقال آنان را از هر طرف دنیا به هر طرف دیگر نگیرد و به هر قومی بخواهند بتوانند هجوم بیاورند. این حوزه به دو معنا به‌کاربرده می‌شود: نخست، مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات یا اقدامات خلاف قانون شخص، گروه و دولت و دوم، پیش‌بینی و تدارک کمک دولت برای تأمین نیازهای مردم و در نتیجه فقدان بیماری، کاهش بی‌کاری، رضایت‌مندی در سالمندی و غیره. امنیت اجتماعی به معنای وجود شرایط اجتماعی برای رشد استعدادهای انسان در ابعاد اجتماعی است؛ بنابراین، مصونیت افراد جامعه از تهدید مأموران دولتی و قضایی از شروط و مصادیق بارز چنین امنیتی به شمار می‌رود.

۲-۲-۵. امنیت سیاسی

امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و هم‌چنین تضمین حقوق سیاسی آن‌ها در مشارکت جهت تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی آن‌ها می‌باشد. نظام سیاسی در راستای امکان بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه، می‌بایستی امنیت و حضور آزادانه و برابر آن‌ها را فراهم آورد و هیچ‌کس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار نکند. درواقع امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف حکومت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵، ص ۲۸) به تعبیری امنیت سیاسی برای همگان تنها در سایه برابری در مقابل قانون است، چه از نظر وضع قانونی و چه از لحاظ اجرای قانون. بدیهی است چنین امنیتی هرگز در حکومت‌های خودکامه (استبدادی) ایجاد نخواهد شد. در حقیقت بین امنیت و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی رابطه معکوسی وجود دارد؛ هر قدر حکومت‌ها خودکامه‌تر باشند آزادی کمتر، خشونت بیشتر و در نتیجه





امنیت سیاسی کمتر خواهد بود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵، ص ۲۹) ثبات سیاسی، محصول امنیت سیاسی و در اصل ناظر به وجود توازنی بین خواست‌های مردمی از یک‌سو و کار ویژه‌های حکومتی از سوی دیگر می‌باشد (همان) بنابراین امنیت سیاسی به معنای وجود فضایی سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف دولت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند. در حقیقت بین امنیت سیاسی و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد. نحوه توزیع قدرت و شکل رژیم سیاسی در این مورد اهمیت دارد. امنیت سیاسی نیز از دیدگاه علامه طباطبایی به معنای فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های سیاسی یک جامعه مانند حقوق و آزادی‌های قانونی، نظام سیاسی مشروع، استقلال و دین الهی است. این مفهوم از امنیت سیاسی، از کلام علامه ذیل واژه «سلام» در تفسیر کلمه «سَلَمَ» «... فَإِنْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (نساء، ۹۰) نیز فهمیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۵۳) درواقع، در هنگام سلام دادن، سلام دهنده به سلام گیرنده اعلام می‌کند که هیچ ظلم و تجاوزی از ناحیه او سلام گیرنده را تهدید نمی‌کند و دراین‌بین، آزادی فطری سلام گیرنده نیز صدمه نخواهد دید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۷) امنیت سیاسی به معنای وجود فضایی سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف دولت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند. در حقیقت بین امنیت سیاسی و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد. نحوه توزیع قدرت و شکل رژیم سیاسی در این مورد اهمیت دارد. (لک زایی، ۱۳۸۵: ۶۳).

۲-۲-۶. امنیت اعتقادی

در برخی آیات قرآن از امنیت مکان‌ها و زمان‌هایی یادشده که دارای نوعی تقدس است. این تقدس یا از جانب خداست؛ مانند تقدس مکه* و ماه‌های حرام، یا آنکه نزد قوم و ملتی مقدس شمرده می‌شود. در آیه «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوْمُعُ و بَيَعٌ وَصَلَوْتُ و مَسْجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج/۲۲، ۴۰) امنیت معابد یهود و



نصارا در کنار مساجد مسلمانان که محل‌های یاد خداست موهبتی از سوی خداوند شمرده شده است. حتی بت‌های مشرکان که احترامی ندارد و باید درهم شکسته شود، به سبب تقدسی که نزد آنان دارد نباید مورد دشنام قرار گیرد، زیرا مشرکان از روی نادانی به خدا دشنام می‌دهند: «و لا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام/۶۱۰۸) تقدس و امنیت شهر مکه به‌طور خاص هم از آیات متعددی به دست می‌آید؛ مانند: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ آمِنًا» (بقره/۲، ۱۲۵) که هر کس به آن پناه آورد در امان است و عرب پیش از اسلام نیز این سنت را رعایت می‌کرد و در مکه متعرض مال* و جان مردم نمی‌شد «وَ مَن دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» (آل عمران/۳، ۹۷ و نیز نک: قصص/۵۷، ۲۸) در آیه دیگری از شهر مکه به‌عنوان مکانی امن یاد می‌شود که چون اهالی آن مشرک شدند و کفران نعمت کردند، لباس گرسنگی و ترس بر آنان پوشانده شد: «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/۱۱۲، ۱۶) کفران نعمت آنان را شرک و رد دعوت پیامبر ذکر کرده‌اند. بعضی مفسران این قریه را مربوط به قومی از بنی اسرائیل دانسته‌اند و برخی هم این شهر امن را مدینه می‌دانند که پس از رحلت پیامبر دچار فتنه و ناامنی‌هایی شد. افزون بر مکان‌های امن، رعایت حرمت ماه‌های حرام که زمان‌هایی امن شمرده شده نیز ضرورت دارد: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا ... مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ» (توبه/۳۶)؛ اما مشرکان با جابه‌جایی و تأخیر ماه‌ها، حرام خدا را حلال می‌کردند «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا» (توبه/۳۷) (۹، ۳۷)

۲-۲-۷. امنیت اقتصادی

توجه قرآن به اموری مانند رفع فقر و شکاف طبقاتی و انحصار ثروت در دست توانگران در راستای برقراری امنیت برای معیشت افراد و زدودن فقر از جامعه قابل تحلیل است. آیه «ما أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِي» (حاقه/۶۹، ۲۸) قرآن کریم از حسرت خوردن مجرمانی که هنگام مرگ فایده‌ای از اموال خود نمی‌بینند خبر می‌دهد؛ همان‌ها که اموال فراوان جمع می‌کنند و زکات آن را نمی‌دهند و از این‌رو عذاب سختی پیشرو دارند



(طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۰) «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه/۹،۳۴)، حال آنکه می توانستند از مؤمنانی باشند که انفاق می کنند: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معارف/۲۴، ۷۰ - ۲۵) و از آنچه خداوند در اختیارشان گذاشته آخرت خود را آباد می سازند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۷۶) «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ» (قصص/۲۸، ۷۷) لزوم پرداخت خمس: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (انفال/۸، ۴۱) و زکات: «إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ» (توبه/۹، ۶۰) و نیز توصیه قرآن به سنت قرض الحسنه در آیات متعدد، مانند: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» (بقره/۲، ۲۴۵) و مهلت دادن به بدهکاران بی بضاعت: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (بقره/۲، ۲۸۰) بیانگر اهمیت توجه به محرومان جامعه است. از دیگر سو منع اسراف: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام/۶، ۱۴۱) و تبذیر که برادری با شیطان ها را به سبب تبعیت از آنان در پی دارد: «وَ لَا تَكُنْ مِنَ الْمُبْذِرِينَ إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَنَ الشَّيْطَانِ» (اسراء/۱۷، ۲۷) و نیز منع انباشته کردن طلا و نقره و محروم کردن دیگران از آن (توبه/۹، ۳۴) و هرگونه سرکشی و طغیان در استفاده نادرست از نعمت های خدا که از آن به «بَطَر» تعبیر شده «وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرَبَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتُهَا» (قصص/۲۸، ۵۸) برای مقابله با فقر و صرف اموال در راه نادرست است؛ همچنین قرآن برای استفاده فقیران و محرومان از نعمت های خدا فیء یا متصرفات از غیر راه جنگ را متعلق به خدا و رسول و خویشاوندان نزدیک پیامبر و بیچارگان و در راه ماندگان دانسته تا با مال اندوزان از راه های نامشروع مقابله کند: «كَى لَا يَكُونَ دَوْلَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر/۵۹، ۷) امنیت مناسبات اقتصادی و تجاری جامعه هم بر محور دوری از ربا (بقره/۲، ۲۵۷) و نخوردن مال دیگران به باطل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (نساء/۴، ۲۹) و سحت (مائده/۵، ۶۲) تعریف می شود. سحت را کسب درآمد از راه حرام و رشوه دانسته اند.



۲-۲-۸. امنیت نظامی

این بعد از امنیت به عنوان سنتی ترین بعد امنیت شناخته می شود. تمامی آیاتی که مسلمانان را به جهاد با مخالفان فرامی خواند و برخی آیات دیگر نشان از تأثیر این بعد در امنیت ملی دارد. در امنیت نظامی تأکید قرآن تنها بر آمادگی برای جنگ و پیروزی در جنگ آن هم با نفرات و امکانات فراوان نیست، بلکه دستیابی به تجهیزات و امکانات پیشرفته نظامی و روحیه بالای جهادگران از اولویت های اصلی دکترین نظامی قرآن است. بر این اساس خداوند از مجاهدان می خواهد در برابر نفرات بسیار دشمن ایستادگی کنند. ۱. «إِنَّ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مَائَتِينَ» انفال/۶۵. ۲. «لَا أَنْ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلَّمَ أَنْ فَيَكُمُ ضَعْفًا» انفال/۶۶ توجه به سیاق این آیات نیز حکایت از درستی این برداشت دارد؛ چه اینکه در سیاق آن ها می خوانیم: «وَأَعَدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (انفال/۶۰) واژه «قوة» می تواند ناظر به کیفیت تجهیزات و ادوات جنگی باشد. امنیت مورد توجه قرآن پیمان های نظامی با متحدان را می طلبد به همین جهت مسلمانان به صلح با دیگران فراخوانده می شوند (انفال/۶۵ و نساء/۹۰). هدف مشخص امنیتی در حوزه امنیت نظامی جلوگیری از بروز جنگ و در صورت رخداد جنگ، پیروزی است. به همین جهت آیه «وَأَعَدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ...» (انفال/۶۰) ناظر به وضعیت جنگی نیست، بلکه هدف کسب آمادگی و قدرت بازدارندگی و جلوگیری از حمله دشمن است. در این آیه می خوانیم: «تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» و بر همین اساس در آیه پس از آن، به هراسی که آمادگی و قدرت بازدارندگی در دشمنان ایجاد می کند و آن ها را خواهان صلح می خواند اشاره شده است: «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ...» (انفال/۶۱)

۳. روش تحقیق

مراد از روش شناسی تحقیق این است که مشخص کنیم چه روش تحقیقی برای بررسی موضوع پژوهش لازم است. انتخاب روش انجام تحقیق بستگی به اهداف و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد. هدف از انتخاب روش تحقیق آن است که محقق مشخص نماید چه شیوه و روشی را اتخاذ نماید تا او را هر چه دقیق تر، آسان تر،





سریع‌تر و ارزان‌تر در دستیابی به پاسخ‌هایی برای پرسش تحقیق کمک کند. روش تحقیق با توجه به سه ملاک تعیین و تقسیم می‌شود. اول: براساس هدف، دوم: بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، سوم برحسب نحوه اجرا یا چگونگی انجام تحقیق. پژوهش حال حاضر، باهدف «بررسی ابعاد امنیت در قرآن کریم با تکیه بر نظرات امام خمینی (ره)»، بر اساس هدف جزء تحقیقات بنیادی از نوع نظری، براساس نوع داده‌ها (نحوه گردآوری داده‌ها)، توصیفی و برحسب نحوه اجرا از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها در پژوهش حاضر به شیوه اسنادی یا کتابخانه‌ای است در این روش بامطالعه کتب مقالات و مجلات، سایت‌ها و سیستم‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای و سایر اسناد مکتوب مانند نقشه و حتی تصویر و فیلم به گردآوری اطلاعات موردنیاز می‌پردازیم. ابزار گردآوری اطلاعات این تحقیق، بیشتر به صورت مشاهده و مطالعه کتب، نشریات علمی و سایت‌های مختلف می‌باشد. روش تحلیل و تجزیه اطلاعات و مطالب این تحقیق به صورت کیفی از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. بررسی ابعاد امنیت از منظر امام خمینی (ره)

۴-۱-۱. بعد اخروی امنیت

در نگاه امام (ره)، هدف اصلی دولت‌ها به عنوان متولیان اداره و تدبیر امور جوامع انسانی، جلوگیری از پیدایش مفسده و خروج آن‌ها از دایره فطرت انسانی است. بر همین اساس، جهت‌گیری اصلی سیاست، علاوه بر تأمین نیازمندی‌های مادی و دنیوی انسان‌ها، فراهم ساختن بسترهای مناسب برای توسعه و تعمیق معنویت و هدایت آن‌ها به سوی لقاءالله است. این نکته، وجه ممیزه رویکرد امام (ره) نسبت به دیگر متفکران در زمینه ابعاد امنیت می‌باشد. برخلاف تمامی رویکردهای غربی نسبت به ابعاد امنیت که صرفاً به ارزش‌های این جهانی و دنیوی شهروندان توجه دارند، امام خمینی (ره) بعد اصلی امنیت انسان‌ها را اخروی دانسته و امنیت این جهانی در تمامی ابعادش را، مقدمه‌ای برای آن می‌داند. «همه این‌ها مقدمه این است که یک آرامشی در این بلاد پیدا بشود و دنبال این آرامش یک سیر روحی پیدا بشود، یک هدایت به سوی خدا پیدا بشود. آن چیزی که اساس



است سیر الی الله است، توجه به خداست، همه عبادات برای اوست. همه زحمات انبیا از آدم تا خاتم برای این معنا هست که سیر الی الله باشد.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۹: ۵۱). حتی از نظر امام ^(ع)، در نظر گرفتن همه ابعاد حیات اجتماعی باید معطوف به بعد اخروی انسان‌ها باشد. بعد اخروی امنیت بر بعد مادی آن اصالت دارد. اولی هدف و دومی ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به آن است. «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۴۳۲). «در دنیای امروز که گفته می‌شود دنیای صنعت است، رهبران فکری می‌خواهند جامعه بشری را نظیر یک کارخانه بزرگ صنعتی اداره کنند، درحالی‌که جوامع از انسان تشکیل شده است که دارای بعد معنوی و روح عرفانی است؛ و اسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره به تربیت انسان بر اساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بعد بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۱۰). حضرت امام ^(ع) معتقد است دولت‌ها اگر در تحقق ابعاد مادی مختلف امنیت به موفقیت کامل دست یابند، اما توجهی به بعد معنوی شهروندان خود نداشته باشند، صرفاً نیازهای مادی و حیوانی شهروندان خود را تأمین نموده و این خلاف فطرت بشری است. امنیت معنوی و اخروی بشر از جایگاه ویژه‌ای در اندیشه امام خمینی ^(ع) برخوردار است. به یک اعتبار، می‌توان گفت فلسفه خلقت بشر و بعثت انبیا و تشکیل اجتماعات سیاسی، تحقق چنین هدفی می‌باشد. بر این اساس، در اندیشه امام ^(ع)، بعد معنوی امنیت بر بعد مادی آن رجحان و برتری دارد. از نظر امام ^(ع)، فرد تا زمانی که به خداوند متعال تکیه نزنند، از چنین آرامش روحی و روانی برخوردار نخواهد شد. اطمینان از اعتقاد به خدا برمی‌خیزد و این وجه معنوی امنیت است، اما بعد مادی و معنوی امنیت از هم جدا نیستند. امنیت معنوی مربوط به آخرت نیست. این نوع امنیت در این دنیا نیز فراهم می‌شود. آن‌ها در تعامل باهم هستند.

۴-۱-۲. بعد مادی و دنیوی امنیت

باوجود رجحان و برتری بعد اخروی امنیت در اندیشه امام ^(ع)، نمی‌توان این حقیقت را



کتمان نمود که تحقق این بعد از امنیت، آنگاه امکان‌پذیر است که انسان در حیات دنیوی و مادی خویش، چه در سطح فردی و اجتماعی و چه در جنبه‌های مختلف آن (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، روانی و مانند آن‌ها). از امنیت برخوردار باشد. با تأمل در آثار مختلف امام خمینی ^(ره)، می‌توان جنبه‌ها و وجوه گوناگونی را برای بعد مادی امنیت که دولت اسلامی موظف به تأمین آن‌هاست، برشمرد که در مبحث موضوع امنیت به آن اشاره می‌شود. امام ^(ره)، به دلیل نگرش بنیادی خود به ارتباط عمیق سیاست و دیانت، تأکید بسیاری بر تشکیل دولت و نقش آن در هدایت جامعه و تأمین امنیت دنیوی و اخروی انسان‌ها دارد. وی نقش اساسی را به دولت می‌دهد و آن را در هدایت جامعه بسیار مؤثر می‌داند. در همین حال، امام ^(ره) دولت را در درون اهداف الهی و مقررات شریعت می‌نهد تا بر اساس آن، به گونه‌ای رفتار نکند که امنیت و آسایش جامعه و آحاد مسلمانان به هم بریزد. امام ^(ره) برای تأمین امنیت انسان‌ها بر رفتار قاعده‌مند دولت تأکید می‌کند: «هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن وارد شود یا کسی را جلب کند، یا نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید یا به تلفن یا نوار ضبط‌صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هرچند گناه بزرگ باشد شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۱۴). امام ^(ره) بر این عقیده است که اقدام خارج از قواعد و قوانین شرعی و اسلامی می‌تواند دولت را به عنصر تهدیدکننده امنیت تبدیل کند و آسایش روانی مسلمانان را به هم بریزد.

۴-۱-۳. امنیت فردی

در نگاه امام ^(ره)، امنیت پیش از همه در بعد فردی معنا می‌یابد و اگرچه جمع و امنیت جمعی، همچون هویت جمعی بر فرد و امنیت شخصی مقدم است، اما امنیت جمعی هم چون هویت جمعی، متضمن امنیت فردی و ضامن سعادت تک‌تک افراد است (فیض، ۱۳۸۹: ۷۳). امام خمینی ^(ره) مبتنی بر هستی‌شناسی توحیدی و انسان‌شناسی دینی، انسان را موجودی کمال طلب و دارای فطرتی می‌داند که درون آن زمینه‌ها و استعدادهای الهی و شیطانی به‌صورت بالقوه از طرف خداوند قرار داده شده است.



به صورت ذاتی، تفاوتی میان انسان‌ها و اختلاف و تمایزی میان آن‌ها قائل نیست، اما بر این باور است که عوامل مختلف در طول زندگی انسان موجبات به فعلیت درآمدن این استعدادها می‌شود و در نتیجه، دو نوع هویت الهی و شیطانی بروز می‌کند (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۵۰-۱۴۰). از همین روست که امام^(ع) بر این باور است که انسان اگر درست شد، آرامش در یک مملکتی پیدا می‌شود. اگر یک مملکتی روی تعلیمات توحیدی، روی تعلیمات انسانی - اسلامی افرادش بار آمدند، این‌ها به تعبیر قرآن این طور بار می‌آیند که بین خودشان باهم رحیمند، دوستند؛ بین خودشان این طور هستند؛ اما اگر کسی بنا شد به آن‌ها تعدی بکند بخواهد حمله کند به آن‌ها، نسبت به آن‌ها «اَشْداء» است، سخت است. (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۹۶). با چنین نگاهی است که امام^(ع) برای ایجاد و تحقق امنیت فردی و سپس امنیت جامعه، بر تهذیب نفس و تربیت تأکید خاص و حتی در انتخاب میان علم و تهذیب، بر اولویت هستی‌شناختی تهذیب تصریح می‌نماید: «اگر ما فرض می‌کردیم که بشر مهذب بود و عالم نبود، دنیا با آرامش، با آرامش خاطر زندگی می‌کرد. اگر ما فرض می‌کردیم که علم توی کار نبود، فقط تهذیب نفس بود، البته خیلی عقب بود بشر از اینکه علم ندارد، خیلی نقیصه بزرگ داشت، لکن روی هم رفته‌اش برای بشر، صلاح این است که آموزش داشته باشد. اگر امر دایر شد بین این دو تا صلاح بشر این است که علم تحصیل بکند، یا صلاح بشر این است که تربیت معنوی داشته باشد؟ ما شک نداریم در اینکه اگر امر بین این دو تا باشد، دایر بین این دو تا یعنی اگر یکی آمد دیگری نباشد، اگر علم آمد تهذیب نباشد، اگر تهذیب هم آمد علم نباشد، اگر این بشر مهذب باشد، آزار به کسی نرساند، مردم را رنج ندهد، با مردم رئوف باشد، مردم را برادر خود بداند، بشر را برادر و همتای خود بداند، اگر یک همچو معنایی با همه شئونی که تهذیب نفس داشت بود، علم هم هیچ نبود، مردم در آسایش بودند.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۶: ۴۹۹).

۴-۱-۴. امنیت اجتماعی

امام خمینی^(ع)، در فرمانی که در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ خطاب به قوه قضائیه و دیگر ارگان‌های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها صادر نمود، درباره عدم دخالت در



حوزه خصوصی و امنیت شهروندان و آزادی‌های شخصی و فردی آن‌ها و به‌ویژه، امنیت قضایی، به مواردی تصریح می‌کند که گویای دیدگاه و اندیشه ایشان در مناسبات امنیت و آزادی است (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۱۳۹). امنیت اجتماعی را باید در سایه تقوا، عدالت و رعایت حرمت و حقوق انسان‌ها و دفاع از محرومان و مظلومان و برخورد با مجرمان و بزهکاران و رفع فقر و تأمین رفاه و معیشت مردم و حفظ آزادی‌های مشروع و گسترش حاکمیت عدل و قانون با معیارهای الهی جستجو کرد. ابتکار، خلاقیت و شکوفایی استعدادها و افراد تنها در سایه آسایش فکر و امنیت جان و مال و ناموس و ایجاد فرصتی امن و برابر برای همگان امکان‌پذیر است. از این‌رو، امام خمینی (ره) به دستگاه‌های قضایی، امنیتی و حکومتی، توصیه‌هایی برای مراعات امنیت مردم دارد: «از شورای عالی قضایی می‌خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع اسفناک و غم‌انگیزی درآمده بود، با جدیت سروسامان دهند و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و آنچه نزد آنان مطرح نیست، عدالت اسلامی است، از این کرسی پراهمیت کوتاه کنند.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱: ۴۲۴).

۴-۱-۵. امنیت سیاسی

امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤال خبرنگار خبرگزاری رویترز مبنی بر اینکه «محتوای سیاسی و اجتماعی رژیم شما چیست؟ بعضی می‌گویند اسلام محافظه‌کار است» در رد ادعای مذکور می‌فرمایند: رژیم شاه همه آزادی‌ها را در ایران از میان برده است. اگر ما محافظه‌کار بودیم نباید خواهان آزادی رأی و برابری امکانات اقتصادی و سیاسی می‌شدیم (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۵۹). مطابق بینش امام (ره)، تمامی آحاد جامعه از حقوق شهروندی برخوردارند و کلیت جمهوری اسلامی و در حقیقت، دولت اسلامی می‌بایست تابع آراء ملت باشد. البته، این تلقی نیز به نظر امام (ره)، نوعی بینش دینی است: «ما بنای این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد، ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ۳۴). بر این



اساس، بقا و استمرار جمهوری اسلامی بدون حضور و بقاء مردم امکان‌پذیر نیست و از این‌رو، مردم در مقام پایگاه اجتماعی دولت اسلامی، اصالت می‌یابند. به بیان امام خمینی ^(ع): «هم تکلیف شرعی‌تان است، هم حکم عقل است که ما باید حفظ کنیم مردم را، ما وقتی مردم را داریم، اسلام داریم و رضای خدا را داریم، همه چیز را داریم.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۲۵۳). «بالاخره ما مردم را لازم داریم، یعنی جمهوری اسلامی تا آخر مردم را می‌خواهد. این مردم‌اند که این جمهوری را به اینجا رساندند و این مردم‌اند که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ۳۶). «به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستم‌دیدگان که نور چشم ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی ره‌آورد آنان و با فداکاری‌های آنان تحقق پیدا کرد و بقاء آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و مردم را از خود بدانید.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ۴۴).

۴-۱-۶. امنیت اعتقادی

در آرا و اندیشه امام ^(ع)، بیشترین تأکید بر بعد فرهنگی و اعتقادی امنیت است. اعتماد و اطمینان مبتنی بر اعتقاد به خداوند و توانایی جامعه مسلمانان در اداره جامعه و توکل به خدا برای یاری‌رساندن به انسان‌های مؤمن، بنیان امنیت در اندیشه امام ^(ع) است. امام ^(ع) در مبارزه با دولت‌های استعماری، همیشه بر بعد انسانی و توان انسانی تأکید داشت: «این‌ها نیروهای انسانی ما را از بین بردند، نگذاشتند رشد بکنند. در خود کشور ما جوری کردند که محتوای انسان را از بین بردند، یک صورتی گذاشتند و محتوا را گرفتند. طوری کردند که اعتماد ما هم به خودمان تمام شد. استقلال فکری ما را، استقلال روحی ما را، از دست ما گرفتند. این بدتر از آن استقلال‌گرفتنی بود که کشور ما استقلال نداشت» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۲۳). در اندیشه ایشان، ابعاد امنیت، همگی ابزارهایی برای تأمین هدفی ارزشمند هستند و آن همانا حفظ اسلام و تعالی انسان است. اگر بعد اعتقادی و فرهنگی در جامعه قوی باشد، تهدیدات اثری نخواهند داشت. حتی اگر امنیت مادی افراد از بین برود، آن‌ها احساس ناامنی نمی‌کنند، زیرا هدف و





غایت نهایی پابرجاست «ما خودمان را باید فدا کنیم برای اسلام، آمال و آرزوهایمان را باید فدا کنیم برای اسلام» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۰۷) «تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم و حفظ کنیم اسلام را» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۲۵۱). «من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان خواران بخوانند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۰: ۳۲۵). در اندیشه امام خمینی ^(۵)، همه ابعاد دیگر امنیت ذیل این هدف معنا و مفهوم می‌یابند؛ اما نسبت به حفظ و تأمین ارزش‌ها و هویت‌های اسلامی به‌شدت حساس بود و در این زمینه به مسئولان نظام و مردم ایران بیان داشت: «همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که نخواهند غرب و شرق تا شمارا از هویت اسلامتان - به خیال خام خودشان - بیرون ببرند، آرام نخواهند نشست.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱: ۹۱). «من به‌صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱: ۳۲۸). در اندیشه امام ^(۵)، بقای جامعه اسلامی به حفظ و تداوم ارزش‌های الهی بستگی دارد. ارزش‌های اسلامی به آن‌ها هویت و معنا می‌دهد و تهدید این ارزش‌ها، تهدید هویت اسلامی جامعه و هستی آن است. یکی از طرق تهدید هویت اسلامی جامعه ایران اسلامی، نفوذ دشمنان در فرهنگ اسلامی جامعه می‌باشد از این‌رو مقابله با تهاجم فرهنگی در تضمین امنیت فرهنگی بسیار مهم است. این تهاجم در سه صورت، «تحمیل فرهنگی»، «تخریب فرهنگی»، «تهدید فرهنگی» امکان بروز می‌یابد (لک زایی، ۱۳۸۵). در گفتمان امام خمینی ^(۵)، فرهنگ هر جامعه رکن رکین آن است و از این‌رو، رواج فرهنگ غربی و ضد دینی، از مصادیق بارز ناامنی است که می‌تواند تمامی مرزهای هویتی جامعه و فرد را از میان بردارد آنچه می‌توان گفت ام‌الامراض است، رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری است (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۴۶).

۴-۱-۷. امنیت اقتصادی

بعد اقتصادی نیز یکی دیگر از ابعاد امنیت است که در آرا و اندیشه امام ^(۵)، ذیل امنیت



جامعه مسلمانان معنا می‌یابد. امام ^(ع) به‌طور خاص، بعد اقتصادی امنیت را طرح نمی‌کند. این بعد از امنیت به بعد سیاسی و حکومتی امنیت برمی‌گردد. «عملکرد دولت باید به‌گونه‌ای باشد که نیازهای مادی انسان‌ها را فراهم کند و توزیع ثروت در جامعه نباید به‌گونه‌ای باشد که موجب برهم زدن آرامش افراد شود. از نظر امام ^(ع)، هر چیزی که برابری را در جامعه از بین برده و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را حاکم کند، غیرقابل قبول است و باید با آن مبارزه کرد.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۳۸۸). امام ^(ع) به بعد اقتصادی امنیت از منظر اجتماعی نگاه می‌کند، زیرا بی‌عدالتی موجب از بین رفتن امنیت در جامعه می‌شود. از این رو می‌فرماید: «پیغمبر اسلام (ص). تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت.» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۱: ۴۰۶). امام ^(ع) بی‌عدالتی را عامل برهم زنده امنیت می‌داند، از این رو برای بعد اقتصادی امنیت باهدف تحقق عدالت اجتماعی اهمیت خاصی قائل بود.

۴-۱-۸. امنیت نظامی

بعد نظامی امنیت در اندیشه امام ^(ع) در چارچوب الزامات حکومت‌داری و ضرورت حفظ و تأمین امنیت جامعه مسلمانان در برابر هجوم بیگانگان طرح می‌شود. تا زمانی که تهدیدات نظامی وجود دارد، دولت اسلامی ناگزیر است با تجهیز مردم و تأمین تسلیحات موردنیاز، به دفاع از میهن اسلامی برخیزد. این برداشت در اندیشه امام ^(ع)، جنبه شرعی نیز دارد و مبتنی بر یافته‌های عقلی و واقع‌گرایانه ایشان است. ایشان در کتاب البیع در این زمینه تأکید می‌کنند: «حفظ مرزهای کشور اسلامی و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن عقلاً و شرعاً واجب است» (خمینی، ۱۳۷۹: ۴۶۲).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت:

✓ مفهوم امنیت در ادبیات نوشتاری و گفتاری امام خمینی ^(ع) دارای دو بعد اخروی و دنیوی بوده که درنهایت آن، همانند دیگر مفاهیم سیاسی، نگاه و هدف اصلی امام ^(ع) معطوف به جنبه اخروی امنیت بوده و تمامی ابعاد مادی و دنیوی امنیت در راستای تحقق هدف اخروی امنیت می‌باشد.



✓ با سیری در اندیشه و بیانات امام خمینی (ره) در باب امنیت، می‌توان دریافت، با توجه به نگرش عمیق و چندوجهی ایشان از واژه امنیت تعریفی خاص و تک‌خطی را ننموده‌اند؛ و این مبحث در فرمایشات ایشان، افزون بر استفاده از واژه امنیت، با واژه‌های مختلف دیگری از جمله: فقدان تحمیل، زور و خشونت، رعب و ترس، حفظ جان و مال، استقلال، عزت، خودکفایی و عدم وابستگی کشور و غیره، مورد اشاره قرار گرفته است.

✓ به‌طور کلی می‌توان گفت مراد از امنیت نزد ایشان، تحقق آزادی همگانی در چارچوب قانون می‌باشد. از منظر امام (ره) امنیت برای خدمت به جامعه و تأمین و تضمین آزادی و نه صرفاً برای دولت و حاکمان و اصحاب قدرت می‌باشد

✓ امام (ره) در هر فرصتی به بیان مزایای امنیتی اسلام و آگاه‌سازی مخاطبان می‌پردازد. استقرار عدالت، زمینه‌سازی برای شکوفایی انسان‌ها، رفع موانع مادی و غیرمادی فرا روی مسیر تکاملی بشریت و درنهایت، شکوفاسازی تمامی توانمندی‌ها و استعدادهای الهی در ذات انسان را مطمع نظر قرار می‌دهد.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ابراهیمی، شهروز و همکاران (۱۳۹۱)، علی اصغر ستوده؛ احسان شیخون؛ بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم، مقاله ۱، دوره ۱، شماره ۴
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ سوم
- ابن‌فارس، زکریا (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۵) امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۳)، تحلیل الگوی تعامل آزادی و امنیت، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۸
- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۱)، امنیت، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ درجانی، حسین (۱۳۸۹)، امنیت در اسلام، مبانی و قالب‌های فکری، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی سال دوم، شماره ۵
- ترکمنی آذر، پروین، (۱۳۸۹)، نقش هوشمندی و تدبیر سیاسی حکومتگران در ایجاد امنیت و توسعه جامعه، مطالعه موردی حکومت ترکان خاتون فراختایی در کرمان، دوفصلنامه جستارهای تاریخی، دوره اول، شماره اول
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق)، تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت: دارالعلم للملایین
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)، البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۷) صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دارالعلم
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ه.ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴) المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۴)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار المعرفه
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی التفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۴)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴) امام خمینی (ع) و هویت ملی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- فیض، داود (۱۳۸۹) بررسی و تبیین الگوی رسالت جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌های استراتژیک





حضرت امام خمینی (ره)، فصلنامه متین.

- لکزایی، شریف (۱۳۸۵) مناسبات آزادی و امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه علوم سیاسی.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۹)، فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳.
- محمدی، علی (۱۳۸۱)، نگاهی به مفهوم امنیت در جهان امروز، جام جم
- معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی؛ تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- نظری، علی اشرف؛ سازمند، بهاره (۱۳۸۹)، توسعه و امنیت انسانی، امنیت انسانی به عنوان محور توسعه، دوفصلنامه سیاست (مجله پژوهش حقوق و سیاست)، سال دوازدهم، شماره ۳۰

